

سرود و ترانه



(مجموعه‌ای از سرود و ترانه‌های مترقی و مردمی)

بسرود و ترانه

(مجموعه‌ای از سرود و ترانه‌های مترقی و مردمی)

www.KetabFarsi.com

انتشارات سنبله - هامبورگ

مرداد ۱۳۸۰ - اوت ۲۰۰۱

▪ سرود و ترانه

(مجموعه‌ای از سرود و ترانه‌های مترقی و مردمی)

▪ تهیه و تنظیم: انتشارات سنبله

▪ طرح روی جلد: فرنگیس احمدی

▪ چاپ اول: مرداد ۱۳۸۰ - اوت ۲۰۰۱

▪ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

▪ قیمت: ۲۰ مارک

▪ ناشر: انتشارات سنبله - هامبورگ

Sonboleh
c/o Print & Copyhaus
Grindelallee 32
20146 Hamburg
Tel. (49) 40 - 41 29 84
Fax (49) 40 - 45 86 43

▪ کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

چندین نسل متوالی، رنج‌ها، دردها، مقاومت‌ها، مبارزات، آمال، آرزوها، اهداف و
ایده‌آل‌های خود را در قالب سرود و ترانه فریاد کرده‌ایم؛ برای تلاطم این امر در همداری
تاریخ، این میراث فرهنگی و مردمی را به نسل جوانی که هم اکنون برای آینده‌ای بهتر
مبارزه می‌کند، می‌سپاریم تا با فریادهای رساتر آنان، سرانجام این آمال جامعه‌ی عمل
پیشوند. تقدیم به نسل در راه!
«انتشارات سنبله»

www.KetabFarsi.com

سخن ناشر

موارد و مناسبت‌هایی پیش می‌آید که حال و هوای سرود خوانی و ترانه خوانی دارد؛ اجتماعات فرهنگی - سیاسی، تظاهرات، اعتصاب غذا و تحصن، مراسم یادبود، جشن‌ها، سفرهای دسته‌جمعی، گوه و ... ما اغلب جمع با این مشکل مواجه می‌شود که بسیاری از سرودها از یادش رفته و یا تنها تکه‌هایی از سرودها را می‌دانند و ... ما نیز در تجربه‌مان بارها با این مشکل مواجه شدیم و ناشی از آن متوجه خطر از بین رفتن و فراموش شدن سرودها نیز شدیم. بنابراین انگیزه‌ی اولیه‌ی ما پاسخ‌گویی به نیاز عملی بود. و هدف دیگر ما حفظ این آثار به‌عنوان بخشی از فرهنگ سیاسی است.

شروع کار، با دست‌خالی چندان آسان نبود، اما با طرح موضوع با علاقه‌مندان، یاران بسیاری به کمک ما آمدند و تدریجاً برخلاف تصور و انتظارات منابع بسیاری از کتاب و جزوه و نوار و صفحه جمع‌آوری کردیم (لیست این منابع در پایان کتاب آمده است). با مواجه شدن به این واقعیت که این همه منابع وجود دارند، شاید دیگر ضرورتی برای کار ما نبود، اما توجه به چند نکته و مشاهده‌ی بعضی اشکالات در این منابع، ما را به ادامه‌ی کار خود مصمم‌تر کرد:

- بسیاری از سرودها در اکثر این منابع تکراری بودند.
- ولی در هر یک از منابع، تعدادی سرود هم بود که در سایر منابع نبودند.
- تعدادی سرود هم در هیچ کدام از این منابع نبودند (سرودهایی که در هیچ جا منتشر نشده و تنها در حافظه‌ها باقی مانده).
- اکثر این منابع وابسته به سازمان‌های سیاسی بودند، در نتیجه از نظر محتوا، عمدتاً سرودهای هم‌خوان با خط سیاسی آن سازمان را دربر می‌گرفتند و عمومیت نداشتند.
- بسیاری از این منابع چاپ قدیم بوده، در نتیجه الان نایاب یا کم‌یاب هستند و قابل دسترسی همگان نیستند و ما نیز بعضاً کپی آنها را به دست آوردیم.

مجموعه‌ی این نکات، به‌ویژه نکته‌ی اخیر، ما را بر لزوم ادامه‌ی کار و با توجه ویژه به همین نکات، متقاعد و مصمم نمود. لذا تصمیم گرفتیم ضمن ادامه‌ی کوشش خود برای جمع‌آوری منابع هرچه بیشتر، سعی کنیم حداکثر ممکن سرودها را به‌دست آورده و در این مجموعه منتشر کنیم.

در جریان کار با مسائل و مشکلاتی مواجه شدیم که مایل هستیم آنها را هم با شما در میان بگذاریم تا هم شاید پاسخ برخی سئوالات احتمالی خود را پیشاپیش دریافت کنید و هم بهتر بتوانید نسبت به حاصل کار ما قضاوت کنید:

- آیا از نظر محتوای سرودها، باید چارچوب خاصی تعیین کنیم و براساس آن چارچوب، سرودها را انتخاب کنیم؟ یا هر آنچه به‌دست آوریم را بدون توجه به محتوای سیاسی آنها در کنار هم بیاوریم؟ ما نه محدودیت شق اول را می‌توانستیم بپذیریم، (که معایر یا نکات پیش‌گفته بود) و نه می‌توانستیم کاملاً بی‌در و پیکر عمل کنیم. مرزبندی ما و اکثریت مردم میهنمان با دو رژیم استبدادی و ضد آزادی، روشن می‌کرد که در این مجموعه نمی‌تواند جایی برای سرودهای شاهنشاهی و یا جمهوری اسلامی باشد و شاید این تنها معیار و مرز ما در جمع‌آوری این مجموعه باشد. ما متری به‌دست نگرقتیم که اندازه بگیریم و انتخاب کنیم، به‌خود حق انتخاب ندادیم، چون معتقدیم سرود بخشی از فرهنگ ماست و فرهنگ ما هم یک دست و تماماً مترقی و انقلابی و ... نیست و ما نمی‌توانیم و مجاز نیستیم با حذف کردن بعضی سرودها، تنها موارد برجسته و مثبت (آن هم به سلیقه‌ی خود) را منعکس کنیم. ضمن این‌که این کار بسیاری از کسان را از دسترسی به آن نوع سرودهای مورد علاقه‌شان محروم می‌کند. لذا به‌سراغ همه رفتیم (به تعداد معدودی از سازمان‌های سیاسی دسترسی پیدا نکردیم، برخی اساساً سرودی ویژه خود نداشتند و در دو سه مورد مایل به همکاری نبودند) و آن‌چه در اختیار شماسست، حاصل این تلاش است.

- مع‌الوصف هنوز ممکن است نسبت به برخی سرودها حساسیت وجود داشته باشد و برخی به‌ما ایراد بگیرند که چرا فلان سرود را آوردیم (و یا احیاناً چرا فلان ترانه از فلان خواننده را) بدون تردید اگر مینا را بر قضاوت‌های فردی و سلیقه‌های شخصی بگذاریم، ممکن است موارد بسیاری از این مجموعه مورد ایراد افرادی به‌تنهایی باشد، اما ما سعی کرده‌ایم سلیقه‌های جمعی و خواست‌های عموم یا حداکثر خوانندگان را پاسخ بدهیم.

- از همین نکته به این واقعیت رسیدیم که تمامی این مجموعه برای هر یک از خوانندگان نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بلکه هر خواننده از تعدادی از این سرودها می‌تواند استفاده کند (در حقیقت از این کتاب به‌عنوان کتابی مرجع در این زمینه می‌توان استفاده کرد که هرکس برحسب مورد، نیاز و سلیقه‌اش به آن مراجعه می‌کند).

- مورد دیگری نکته‌ی فوق را تکمیل می‌کند و آن هم آهنگ سرودهاست. خواننده تمامی این سرودها را نمی‌شناسد و حتماً ممکن

است آهنگ‌های برخی از سرودهایی هم که شعرش را می‌شناسد، فراموش کرده باشد، لذا باز هم امکان استفاده از این مجموعه برای هر فرد به تنهایی محدودتر می‌شود.

ما به این فکر افتادیم که سعی کنیم نُت سرودها را هم تهیه کرده و در کنارشان بیاوریم. اما از یک‌سو با این واقعیت مواجه شدیم که بسیاری از این سرودها نُت نوشته شده ندارند، آن‌ها هم که داشته‌اند در دسترس نیستند، تهیه مجدد نُت برای همه‌ی این سرودها هم وقت، کار و هزینه‌ی زیادی می‌خواهد و از سوی دیگر این واقعیت که تنها تعداد معدودی از خوانندگان این مجموعه موسیقی می‌دانند و می‌توانند نُت بخوانند، در نتیجه کار بی‌فایده‌ای است که کمکی به حل مشکل نمی‌کند.

- سعی کردیم این مجموعه محدود به زمینه‌های معینی هم نباشد و تا حدی موفق شده‌ایم شامل همه‌ی زمینه‌ها باشد: سرودهای زندان، سرودهای مراسم و روزهای ویژه، سرودهای کوهستان، سرودهای سازمان‌های سیاسی، سرودهای خارج کشور (گنبدرا سیون) ... و از نظر زمانی هم محدودیتی قابل نشدیم، به سرودهای انقلاب مشروطیت دسترسی پیدا نکردیم، اما از آوردن چند سرود از سال‌های ۲۰ به بعد هم دریغ نکردیم. تلاش زیادی کردیم که تا حد ممکن از سرودهای ملیت‌ها و زبان‌های گوناگون ایران نیز استفاده کنیم، که به غیر از زبان آذری و کردی، در سایر موارد، منابع چندانی به دست نیاوردیم (یک منبع غنی از سرودهای لری و گیلکی و ... به دست آوردیم ولی چون نسخه کپی بود، بسیار کم‌رنگ و ناخوانا بود و متأسفانه نتوانستیم از آن بهره بگیریم) لذا این بخش مجموعه بسیار ضعیف و ناقص است.

- با توجه به هدف کاربُردی این مجموعه و انگیزه‌ی اولیه ما، روشن بود که لازم است تعدادی ترانه - سرود و ترانه نیز در این مجموعه بیاوریم (به‌طور تجربی در مراسمی که در ابتدا اشاره شد، اغلب ترانه‌ها هم همراه با سرودها خوانده می‌شوند که ما با نام «ترانه‌های مردمی» آن‌ها را مشخص کرده‌ایم؛ ترانه‌های خاطره‌انگیز، مردمی و مترقی - ضمن این‌که تعدادی از منابع مورد مراجعه ما نیز شامل سرودها و ترانه‌ها با هم بودند -). اما تعداد ترانه و تصنیف‌ها واقعاً بی‌شمار است و نه در توان ما بود و نه هدفمان که مجموعه آن‌ها را هم جمع‌آوری کنیم. در اینجا ناگزیر به انتخاب بودیم و باید اذعان کنیم که سلیقه‌ی خود را نیز دخیل دادیم و مطمئن هم نیستیم که همه‌ی خوانندگان با ما هم سلیقه باشند!

- مشکل دیگر اطلاعات مربوط به هر سرود بود و حداقل لازم بود نام شاعر، آهنگ‌ساز، خواننده، تاریخ و محل اجرا و ... در مورد هر یک از آن‌ها به دست داده می‌شد، در این زمینه بیشتر از هر مورد دیگر فقیر بودیم، تلاش زیادی برای جمع‌آوری اطلاعات کردیم، دوستان صاحب‌نظر و با تجربه‌ی بسیاری ما را یاری دادند و اطلاعات بسیار ناقص موجود در مورد برخی از سرودها حاصل همکاری ایشان است. در این زمینه با مشکل دیگری مواجه شدیم که موجب شد از بسیاری «اطلاعات» به دست آمده صرف‌نظر کرده و استفاده نکنیم و آن‌ها هم متناقض بودن اطلاعات از منابع مختلف بود، لذا ما تمام مواردی را که تردید داشتیم حذف کرده و سعی کردیم تنها اطلاعاتی را بیاوریم که مطمئن باشیم. مثلاً دوستی چند تا از سرودها را به حمید اشرف منسوب کرده بود که ما تردید داشتیم و بعد معلوم شد شعر تعدادی از این سرودها از سعید یوسف است، ولی برخی از آن‌ها را حمید اشرف خوانده و به روی نوار هم ضبط شده بوده و این اشتباه به وجود آمده که سرودها هم از خود او بوده.

تنها در دو مورد اطلاعات جالب و جامعی از چگونگی سرایش دو سرود توسط سعید یوسف و عباسی سماکار نوشته شده که با تشکر از ایشان آن‌ها را به‌صورت ضمیمه در پایان کتاب آورده‌ایم.

- نکته مهم دیگر این‌که به‌مرور زمان تغییرات و اصلاحاتی در بسیاری از سرودها روی داده و در نتیجه روایت‌های مختلفی از آن‌ها موجود است، لذا اختلافات در متن، اشتباه نیست، بلکه ناشی از این واقعیت است.

- یک مشکل فنی هم کیفیت بد نوارها بود. که در نتیجه احتمالاً بعضی کلمات در سرودهایی که از نوار پیاده شده‌اند، درست شنیده نشده و ممکن است با اصل متفاوت باشند.

- در پایان سعی کردیم نظمی به این مجموعه‌ی متنوع و ناهمگون بدهیم تا سهولتی در استفاده از آن باشد. مناسب‌ترین راه تقسیم موضوعی بود، که خود این کار هم ساده نبود. چون اغلب سرودها چند موضوعی هستند، تعیین جای هر یک مشکل بود. سرانجام برحسب توجه عمده‌ی هر سرود بر موضوعی معین، مجموعه را به ۱۵ بخش تقسیم کردیم، درحالی که هر سرود می‌تواند در چند بخش جای بگیرد.

- عزیزان بسیاری با پیشنهادات، راه‌نمایی‌ها، نظرات اصلاحی و انتقادات خود و یا در اختیار گذاشتن منابع و یا معرفی صاحب‌نظران دیگر و ... ما را بی‌دریغ یاری داده‌اند و در حقیقت این مجموعه حاصل کار جمعی تمامی این یاران است، اجازه می‌خواهیم با پرهیز از ذکر نام، سپاس فراوان خود را تقدیم همگی ایشان بکنیم.

- مطمئنیم که این مجموعه هنوز بسیار ناقص است و خالی از اشتباه و عیب نیست، ممکن است به چاپ بعدی برسد و یا کسان دیگری در آینده بخواهند آن را تجدید چاپ کنند و یا از آن به‌عنوان منبعی استفاده کنند، لذا طرح نواقص، اشتباهات، کمبودها و هر گونه پیشنهاد مفیدی می‌تواند چاپ‌های بعدی این مجموعه را غنی‌تر کند، از همکاری شما پیشاپیش سپاس گذاریم.

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۵	۳۳- رزم خلق قهرمان	۶	سخن ناشر
۳۶	۳۴- به سوی سوسیالیسم	۸	فهرست
۳۷	۳۵- سرود صلح	۱۳	بخش اول: مقاومت، مبارزه، آزادی
۳۷	۳۶- پیروزی خلق	۱۵	۱- قیام آزادی
۳۸	۳۷- کاشکی	۱۵	۲- آزادی
۳۸	۳۸- سرود حقوق بشر	۱۶	۳- یکوشیم یاران
۳۹	۳۹- موج خسته	۱۶	۴- امید فردا
۴۰	۴۰- باطلاق	۱۷	۵- فردا
۴۰	۴۱- سحر سرخ	۱۸	۶- زوزه باد
۴۱	۴۲- پارتیزان	۱۹	۷- جنگل
۴۲	۴۳- سرود نوروزی	۱۹	۸- سرود یوری
۴۳	۴۴- اول بهمن	۲۰	۹- انقلابی سخت
۴۳	۴۵- ۲۹ اسفند	۲۰	۱۰- آتش
۴۴	۴۶- کاروان	۲۱	۱۱- انتقام
۴۶	۴۷- شادی	۲۱	۱۲- بیای هموطن
۴۷	بخش دوم: اتحاد	۲۲	۱۳- ببا کارگر، ببا بزرگر
۴۹	۴۸- اتحاد	۲۳	۱۴- آرش کمانگیر
۴۹	۴۹- هم صدا	۲۴	۱۵- هزاران گل فریاد
۵۰	۵۰- ستم دیدگان اتحاد، اتحاد	۲۴	۱۶- ای عشق
۵۰	۵۱- زمان اتحاد	۲۵	۱۷- لابی برای بیداری
۵۱	۵۲- سرود پیوستن	۲۶	۱۸- علیه سازش
۵۲	۵۳- وحدت	۲۶	۱۹- پرچم سرخ
۵۳	۵۴- ببا، ببا	۲۷	۲۰- بیاد قیام
۵۴	۵۵- سرود یاران	۲۷	۲۱- وقت بپیکار
۵۴	۵۶- یک صف شویم	۲۸	۲۲- سرود زنان
۵۵	۵۷- سرود همبستگی	۲۹	۲۳- فردا
۵۶	۵۸- هیچ کس یا همه کس	۲۹	۲۴- دور نیست، دیر نیست
۵۷	۵۹- یا ما ببا	۳۰	۲۵- لالت خون
۵۷	۶۰- یکی شویم	۳۱	۲۶- در ستایش انقلابی
۵۷	بخش سوم: سرودهای میهنی	۳۱	۲۷- تا کی خموشی؟
۵۹	۶۱- ای وطن	۳۲	۲۸- گردینسان زبست
۶۱	۶۲- مام توفان	۳۲	۲۹- سرود هنرها
۶۲		۳۳	۳۰- شمع فروزان
		۳۴	۳۱- سپیده در حال دمیدن است
		۳۵	۳۲- خلق ایران برپا خیزید



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۹	۹۴ - می چکد	۶۲	۶۳ - ای ایران
۹۰	۹۵ - ای سرود آوران سپیده	۶۳	۶۴ - جان نثارانیم
۹۰	۹۶ - نغمه‌ی خون	۶۳	۶۵ - ایران هنگام کار است
۹۱	۹۷ - یاد یاران	۶۴	۶۶ - ای ایران
۹۱	۹۸ - سینه سرخان اوین	۶۵	۶۷ - سلام بر گل ارغوان
۹۲	۹۹ - شهید	۶۶	۶۸ - میهن
۹۲	۱۰۰ - شهیدان	۶۷	۶۹ - ای وطن
۹۳	۱۰۱ - آن عاشقان شرزه		
۹۳	۱۰۲ - نازلی	۶۹	بخش چهارم: سرودهای بین‌المللی
۹۴	۱۰۳ - به پیش		
۹۵	۱۰۴ - راه صمد	۷۱	۷۰ - اترناسیونال
۹۵	۱۰۵ - لاله‌های خرداد	۷۲	۷۱ - رهایی
۹۶	۱۰۶ - شهید	۷۲	۷۲ - استالینگراد
۹۷	۱۰۷ - به فردا	۷۳	۷۳ - ظفار
		۷۳	۷۴ - انا صمد
۹۹	بخش ششم: زندان و زندانی	۷۴	۷۵ - ای فلسطین
		۷۴	۷۶ - یا هم، یا هم
۱۰۱	۱۰۸ - قهرمانان	۷۵	۷۷ - درخت آزادی
۱۰۱	۱۰۹ - میلاد	۷۶	۷۸ - آهنگ اتحاد
۱۰۲	۱۱۰ - بدرود در زندان	۷۷	۷۹ - آئین نوین
۱۰۳	۱۱۱ - وفا تا مرگ	۷۸	۸۰ - بر خیز طوفان توستی
۱۰۳	۱۱۲ - زندانیان خسته	۷۸	۸۱ - به پیش‌رو
۱۰۴	۱۱۳ - زندانی	۷۹	۸۲ - بر خیز که ...
۱۰۴	۱۱۴ - فرزند خلق	۷۹	۸۳ - آزادی
۱۰۵	۱۱۵ - بر خیز ای رزمنده هموطن		
		۸۱	بخش پنجم: شهیدان
۱۰۷	بخش هفتم: مبارزین		
		۸۳	۸۴ - سی تیر
۱۰۹	۱۱۶ - چریک فدایی	۸۴	۸۵ - قطره‌های خون
۱۱۰	۱۱۷ - بخر خزر ناله سر کن	۸۵	۸۶ - آنها سه تن بودند
۱۱۰	۱۱۸ - فدایی	۸۶	۸۷ - برپای ای هموطن
۱۱۱	۱۱۹ - در بهار خلق	۸۶	۸۸ - بی نام
۱۱۱	۱۲۰ - رزم آوران	۸۷	۸۹ - قهر انقلاب
۱۱۲	۱۲۱ - خون شهیدان	۸۷	۹۰ - شورش
۱۱۳	۱۲۲ - ایران، ایران	۸۸	۹۱ - تسلیت
۱۱۳	۱۲۳ - خلق	۸۸	۹۲ - شهدای جاوید
۱۱۴	۱۲۴ - صمد	۸۹	۹۳ - زاله خون شد



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۳۶	۱۵۹- سرود دهقانان	۱۱۵	بخش هشتم: کارگران، دهقانان، زحمتکشان
۱۳۷	۱۶۰- کارگران و دهقانان	۱۱۷	۱۲۵- سرود اول ماه مه
۱۳۷	۱۶۱- آهنگران	۱۱۸	۱۲۶- سرود اول ماه مه
۱۳۸	۱۶۲- رنجبر زادگان	۱۱۹	۱۲۷- سرود کارگر
۱۳۸	۱۶۳- سرود همراهان	۱۱۹	۱۲۸- می‌رسد از زه توفان
۱۳۹	۱۶۴- بپای ستمکشان	۱۲۰	۱۲۹- بگو به کارگر
۱۴۱	بخش نهم: دانشجو - محصل	۱۲۰	۱۳۰- شورا
۱۴۳	۱۶۵- سرود دانش و صلح	۱۲۱	۱۳۱- انسان
۱۴۴	۱۶۶- سرود شماره یک کنگدراسیون	۱۲۱	۱۳۲- عصر توفان
۱۴۴	۱۶۷- اتحاد، مبارزه، پیروزی	۱۲۲	۱۳۳- برخیز
۱۴۵	۱۶۸- شانزدهم آذر	۱۲۲	۱۳۴- به پیش
۱۴۵	۱۶۹- هیجدهم تیر	۱۲۳	۱۳۵- رهایی
۱۴۶	۱۷۰- باید فرادار ساخت	۱۲۳	۱۳۶- برپا
۱۴۶	۱۷۱- ۱۲ آبان	۱۲۴	۱۳۷- آرمان خلق
۱۴۷	۱۷۲- سرود بین‌المللی جوانان	۱۲۵	۱۳۸- برپاخیز
۱۴۸	۱۷۳- سیزده آبان	۱۲۵	۱۳۹- به سوی حزب
۱۴۹	بخش دهم: دشمن	۱۲۶	۱۴۰- به خونم
۱۵۱	۱۷۴- دژخیم خلق	۱۲۶	۱۴۱- چهار فصل
۱۵۱	۱۷۵- تاریخ گوید	۱۲۷	۱۴۲- گل گندم
۱۵۲	۱۷۶- همت کنید	۱۲۷	۱۴۳- مشت دلاوران
۱۵۳	۱۷۷- آمریکا، آمریکا	۱۲۸	۱۴۴- علیه سرمایه‌داران
۱۵۳	۱۷۸- یانکی گمشو	۱۲۸	۱۴۵- کارگر
۱۵۴	۱۷۹- یانکی گو هوم!	۱۲۹	۱۴۶- فراخوان
۱۵۴	۱۸۰- باید، باید	۱۲۹	۱۴۷- زنده باد کارگر، بزرگر
۱۵۵	۱۸۱- سپیده‌ی سحر	۱۳۰	۱۴۸- خروش پادرنجیران
۱۵۶	۱۸۲- پنجاه سال	۱۳۰	۱۴۹- پیمان
۱۵۷	۱۸۳- قطننامه	۱۳۱	۱۵۰- سرود کارگران
۱۵۸	۱۸۴- امپریالیسم	۱۳۱	۱۵۱- کارگر به پیش
۱۵۹	۱۸۵- رنج و کار	۱۳۲	۱۵۲- کارگر - بزرگر
۱۶۰	۱۸۶- کارگر و سرمایه‌دار	۱۳۲	۱۵۳- برادری، برابری، حکومت کارگری
		۱۳۳	۱۵۴- خورشید سرخ
		۱۳۴	۱۵۵- برخیز
		۱۳۴	۱۵۶- زمین باشد، آب باشد
		۱۳۵	۱۵۷- دهقانی به صد دوندگی
		۱۳۶	۱۵۸- بشکافیم و بکاریم



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۸۷	۲۱۸- بریاری یه کی نه یار	۱۶۱	<u>بخش یازدهم: سرودهای آذری - ترکمنی</u>
۱۸۹	۲۱۹- پیشمه رگه ی کومه له	۱۶۳	۱۸۷- سرود انترناسیونال (آذری)
۱۹۰	۲۲۰- سرودی ژنانی تیمکوشه ر	۱۶۴	۱۸۸- آذربایجانین ملی سرودو
۱۹۱	۲۲۱- ناسوی سوسیالیزم	۱۶۵	۱۸۹- حیدر عمو اوغلو
۱۹۲	۲۲۲- زه حمه تکیشان چه گذار بین	۱۶۵	۱۹۰- همه بستگی
۱۹۳	۲۲۳- سلاوله پیشمه رگه	۱۶۶	۱۹۱- صمد
۱۹۳	۲۲۴- نه وروز	۱۶۶	۱۹۲- صمد عمی
۱۹۴	۲۲۵- حیژی خه باتکار	۱۶۷	۱۹۳- یاخچی بیول
۱۹۵	۲۲۶- کرد زنده یاد	۱۶۷	۱۹۴- وطنیم آذربایجان دیر منیم
۱۹۵	۲۲۷- پیشمه رگه	۱۶۸	۱۹۵- یاشاسین آذربایجان
۱۹۶	۲۲۸- دمی راپرینه	۱۶۹	۱۹۶- تبریزیم
۱۹۷	۲۲۹- سرودی قوتایان	۱۶۹	۱۹۷- سلام آذربایجان
۱۹۷	۲۳۰- که ده لین	۱۷۰	۱۹۸- سرود پارتیزان ها
۱۹۸	۲۳۱- هله کوردم	۱۷۰	۱۹۹- سرود فدائیان
۱۹۸	۲۳۲- نالار رنگین	۱۷۱	۲۰۰- داغلار قویونوندا
۱۹۹	۲۳۳- پیشمه رگه	۱۷۱	۲۰۱- دالغا
۲۰۰	۲۳۴- ابر بهارون	۱۷۲	۲۰۲- آچیل سحر
۲۰۰	۲۳۵- هوشنگ	۱۷۲	۲۰۳- یاشا اینسان
۲۰۱	۲۳۶- دایه دایه	۱۷۳	۲۰۴- آتقیش
۲۰۳	<u>بخش سیزدهم: سرودهای گیلکی - مازندرانی</u>	۱۷۴	۲۰۵- آذربایجان
۲۰۵	۲۳۷- میرزا کوچک خان	۱۷۴	۲۰۶- قیزیل اوزون
۲۰۶	۲۳۸- بیجه باده	۱۷۵	۲۰۷- آذربایجان
۲۰۷	۲۳۹- سرود کارگری	۱۷۶	۲۰۸- اتناکتای آذربایجان
۲۰۸	۲۴۰- زحمتکشون	۱۷۶	۲۰۹- کوراوغلو
۲۰۹	<u>بخش چهاردهم: کوه، بهار، طبیعت</u>	۱۷۷	۲۱۰- بویوک لنین
۲۱۱	۲۴۱- آفتاب کاران جنگل	۱۷۷	۲۱۱- وطن اوغلی
۲۱۲	۲۴۲- بهاران خجسته باد	۱۷۸	۲۱۲- آراز، آراز
۲۱۲	۲۴۳- رود	۱۷۹	۲۱۳- خلق ترکمن
۲۱۳	۲۴۴- هماره یاد	۱۷۹	۲۱۴- تورکمن، تورکمن
۲۱۳	۲۴۵- خون ارغوانها	۱۸۱	<u>بخش دوازدهم: سرودهای کردی - لری</u>
۲۱۴	۲۴۶- لبای خوب مردم	۱۸۳	۲۱۵- نه ترناسیونال (کردی)
۲۱۴	۲۴۷- کوهساران	۱۸۵	۲۱۶- خه بات
		۱۸۶	۲۱۷- نه ی رقیب



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۴۰	۲۸۲ - مرغ سحر	۲۱۵	۲۴۸ - گریز تاریکی
۲۴۱	۲۸۳ - نی زن	۲۱۵	۲۴۹ - باد و توفان
۲۴۲	۲۸۴ - بوی گل	۲۱۶	۲۵۰ - نور خورشید
۲۴۲	۲۸۵ - قالی باف	۲۱۶	۲۵۱ - مهر جاویدان
۲۴۳	۲۸۶ - کوه‌های بختیاری	۲۱۷	۲۵۲ - کوهنورد
۲۴۳	۲۸۷ - رقص شکوفه	۲۱۷	۲۵۳ - کوه و دشت
۲۴۴	۲۸۸ - بارون بارونه	۲۱۸	۲۵۴ - ای کوهنورد
۲۴۴	۲۸۹ - بازی کودک	۲۱۸	۲۵۵ - شعر هستی
۲۴۵	۲۹۰ - جان مریم	۲۱۹	۲۵۶ - چوب‌خیزد آتش
۲۴۶	۲۹۱ - دل جویی	۲۱۹	۲۵۷ - گل بیار گل افشان کن
۲۴۷	۲۹۲ - مرغ توفان	۲۲۰	۲۵۸ - سرود بهار
۲۴۷	۲۹۳ - من طفل توفان شده‌ام	۲۲۱	۲۵۹ - آب را گل نکنید
۲۴۸	۲۹۴ - گلستان	۲۲۲	۲۶۰ - درخت یادگار
۲۴۹	۲۹۵ - یک شب مهتاب	۲۲۲	۲۶۱ - گل صحرا
۲۵۰	۲۹۶ - جمعه‌ها	۲۲۳	۲۶۲ - کوه‌های کرمان
۲۵۰	۲۹۷ - گنجشکک اشی‌مشی	۲۲۳	۲۶۳ - البرز
۲۵۱	۲۹۸ - با من از ایران بگو	۲۲۴	۲۶۴ - کوه چوپار
۲۵۲	۲۹۹ - بگو به ایران	۲۲۵	۲۶۵ - بهار نو
۲۵۳	۳۰۰ - صدایم کن		
۲۵۴	۳۰۱ - خورشید خانوم	۲۲۷	<u>بخش یازدهم: ترانه‌ها</u>
۲۵۴	۳۰۲ - کتیبه		
۲۵۵	۳۰۲ - دریایی	۲۲۹	۲۶۶ - چرخ کیچ رفتار
۲۵۶	۳۰۴ - پرنده‌ی مهاجر	۲۳۰	۲۶۷ - سرود شب
۲۵۷	۳۰۵ - بن بست	۲۳۰	۲۶۸ - لیلا
۲۵۸	۳۰۶ - خونه	۲۳۱	۲۶۹ - مرداب انزلی
۲۵۹	۳۰۷ - جنگل	۲۳۱	۲۷۰ - بهار دل‌نشین
۲۶۰	۳۰۸ - ده	۲۳۲	۲۷۱ - پائیز
۲۶۱	۳۰۹ - تفنگ	۲۳۲	۲۷۲ - خزان شوم شب
۲۶۲	۳۱۰ - شکار آهو	۲۳۳	۲۷۳ - شد خزان
۲۶۲	۳۱۱ - مستم، مستم	۲۳۴	۲۷۴ - غوغای ستارگان
		۲۳۴	۲۷۵ - لاله‌های صحرا
۲۶۳	ضمیمه‌ها	۲۳۵	۲۷۶ - زهره
۲۶۹	منابع	۲۳۶	۲۷۷ - صبح سپید
		۲۳۶	۲۷۸ - برادر
		۲۳۷	۲۷۹ - خونه (یاران)
		۲۳۸	۲۸۰ - رؤیای دیرین
		۲۳۹	۲۸۱ - مرا بیوس

www.KetabFarsi.com

بخش اول:
مقاومت، مبارزه، آزادی





قیام آزادی

شعر و آهنگ: فرخی یزدی

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی ، آزادی
که روح بخش جهان است نام آزادی ، آزادی
به پیش اهل جهان محترم بود آنکس (۲)
که داشت از دل و جان احترام آزادی
هزار بار بود به ز صبح استبداد (۲)
برای دسته‌ی وابسته ، شام آزادی
به روز قیامت بپا شود آن روز
کنند رنجبران چون (قیام آزادی) (۲)
اگر به من فرصتی دهند یک روز
کشم ز مرتجعین انتقام آزادی
هزار بار بود به ز صبح استبداد (۲)
برای دسته‌ی وابسته ، شام آزادی
به روز قیامت بپا شود آن روز
کنند رنجبران چون (قیام آزادی) (۲)

آزادی

آن زمان که بنهادم / سر به پای آزادی
دست خود ز جان شستم / از برای آزادی
تا مگر به دست آرم / دامن وصالش را
می‌دوم به پای سر / در ققای آزادی
در محیط توفان‌زا / ماهرانه در جنگ است
ناخدای استبداد / باخدای آزادی
دامن محبت را / گر کنی ز خون رنگین
می‌توان تو را گفتن / پیشوای آزادی

بکوشیم یاران

بکوشیم یاران بهر رهایی / که باشد نیاز به عشق و آزادی (۲)
 دنیای کهنه را از نو بسازیم (۲) / نو ساخته را از نو سازیم و پی گیریم (۲)
 بکوشیم یاران بهر رهایی / که باشد نیاز به عشق و آزادی (۲)
 جهان را بهتر ساختیم و جهان / بهتر را بهتر سازیم و پی گیریم
 بکوشیم یاران بهر رهایی / که باشد نیاز به عشق و آزادی (۲)
 جهان را بهتر و راستی را کامل / راستی کامل را کاملتر سازیم
 بکوشیم یاران بهر رهایی / که باشد نیاز به عشق و آزادی (۲)
 انسان نو ساخته را از نو سازیم / نو ساخته را از نو سازیم و پی گیریم
 بکوشیم یاران بهر رهایی / که باشد نیاز به عشق و آزادی (۲)

امید فردا

در این شب تیره و تار، کرده پیکار / از برای يك فردای بهتر، زندگی کی شود نو سراسر
 لالالای، لای لالای لا، لای لالای لا، لای لالای لای لای لا، لای لالای لا لای لای لای لای لای لا
 دارم امید آنکه فردا، پاک و زیبا / سرزند خورشید آرزوها / روشنی بخشد این سرزمین را
 لالالای، لای لالای لا، لای لالای لا، لای لالای لای لای لا، لای لالای لا لای لای لای لای لا
 در این دو روز جوانی، زندگانی / از برای دل ما شرتنگ است
 چون که دل شیشه و غصه سنگ است
 لالالای، لای لالای لا، لای لالای لا، لای لالای لای لای لا، لای لالای لا لای لای لای لای لا
 بپا خیزید نو جوانان پر ز نیرو / پرورید در سینه خشم جوشان / سردهید در ره خانه دوشان
 به یاری علم و دانش، سعی و کوشش
 در ره اتحاد ستمکش / بگسلیم زنجیر بردگی را
 لالالای، لای لالای لا، لای لالای لا، لای لالای لای لای لا، لای لالای لا لای لای لای لای لا
 به یاری خلق ایران، ای رفیقان / برکنیم پایه کاخ دیوان / پاک و زیبا کنیم خاک ایران
 لالالای، لای لالای لا، لای لالای لا، لای لالای لای لای لا، لای لالای لا لای لای لای لای لا
 دارم امید آنکه فردا، پاک و زیبا، پاک و زیبا بینم این جهان را، پاک و زیبا بینم این جهان را ...
 به پیش به پیش ای اسیران، به پیش به پیش ای فقیران، (بهر آزادی خلق ایران) (۲)



فردا

بر وزن سرود «رود»

می رسد از ره گلبانگ خروس
می شکنند شب با خنده‌ی روز
می رسد ایام غصه به سر
سرکشد از هر خانه آواز و سرود
سپاه کار و زحمت است
روان شده ز هر کران
دشمن در هراس از آن
دست پر پینه، غم را می چینه، گل‌های شادی روید بر جای آن ؛
جور و استبداد از جا برخیزد، آزادی بنشیند بر جای آن
خشمی در سینه می جوشد
بر نیرنگ خصم می خندد
با اردوی کار می پیوندد ...
فردا ... دستان کار و زحمت، بیاد قرن‌ها در هم می پیچند؛
وحدت می رسد از راه و غم‌ها می ریزند
خشمی در سینه می جوشد
بر نیرنگ خصم می خندد
با اردوی کار می پیوندد ...
فردا ... اردوی کار و زحمت، بیاد قرن‌ها را روید؛
خورشید آزادی برپام دنیا می روید، بر هر جا می تابد
خشمی در سینه می جوشد
بر نیرنگ خصم می خندد
با اردوی کار می پیوندد ...
خشمی در سینه می جوشد
بر نیرنگ خصم می خندد
با اردوی کار می پیوندد ...

زوزه باد

آهنگ: روسی - قزاق‌ها (Kosaken Lied)

زوزه‌ی باد و بوران و توفان
برای پیروزی بهار فردا
کفش پاره بگذر از کوه‌ها
آنجا که می‌درخشد خورشید (۲)

تا جان در تن و شور در سر داریم
تا آتش در خون خود داریم
از پای ننشینیم در راهی کمر بستیم
ما پیمان فتح در دل داریم (۲)

توده‌ی خلق چیره شود روزی
افراشته گردد پرچم انقلاب تا
بر کند این خانه‌ی بیداد
بر فراز کوه‌های ایران (۲)

تا جان در تن و شور در سر داریم
تا آتش در خون خود داریم
از پای ننشینیم در راهی کمر بستیم
ما پیمان فتح در دل داریم (۲)

راه ما راه توده‌ها باشد
افراشته گردد پرچم انقلاب تا
انقلاب با پیروزی باشد
بر فراز کوه‌های ایران (۲)

تا جان در تن و شور در سر داریم
تا آتش در خون خود داریم
از پای ننشینیم در راهی کمر بستیم
ما پیمان فتح در دل داریم (۲)



جنگل

جملگی گشته بهر انقلاب آماده / از جنگل تا سیه کل، خصم از پا افتاده
 می آمدم به گوش، پر جوش و پر خروش / نغمه شلیک رگبار مسلسل ها
 از قلب تاریک و از اعماق جنگل ها / لالا لالا ...
 استعمار یک سو، ارتجاع با او / سوی دیگر خلق و در آن قشر دانشجو
 جنبش خلق نافذ، در هر برزن و هر کوه / کارگر، برزگران، روشنفکران هم صف
 همدوش خلق میهن، جملگی جان بر کف / لالا لالا ...
 ره پر پیچ و خم، آینده روشن / از سختی، از قربانی، از مرگ نهراسیم
 تا پیروزی را بی شک از آن خود سازیم
 حیدر پیدا شده، کوچک برپا شده / راهی گلگون از خرداد خونین میسر
 پی گیرش ای هموطن، پویش تا به آخر / لالا لالا ...

سرود یوری^(*)

آهنگ: خورشید می درخشد

سرزد سرزد بار دیگر شعله کین (در دل این شب تاریک) (۲)
 ظلمت شد پریشان گریزان شد گریزان شد - نور امید (در دل خلق ما تابید) (۲)
 یوری یوری زاده خلق در ره خلق
 (از سر و جان خود بگذشت بگذشت) (۲)
 خونش خون پاکش - قطره قطره - در دل ما چو خورشید است آری آری
 همچنان پیک امید است آری همچنان
 در دل ما چو خورشید است، آری پیک امید است، آری تا کی؟ تا کی؟
 ظلم دولت جور یانکی (پر دوش توده ها تا کی) (۲)
 برخیز برخیز خلق ایران از دل و جان
 خشم و کین را نمایان کن آری، آری / کاخ دشمن را ویران کن آری، آری



انقلابی سخت

شعر: ابوالقاسم لاهوتی

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
 کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
 در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای
 این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود
 این بنای کهنه‌ی پوسیده ویران گشته است
 جای آن با طرح نو از نو بنا باید نمود (۲)
 تا مگر عدل و تساوی بر بشر مجری شود (۲)
 انقلابی سخت در دنیا به پا باید نمود
 توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
 کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
 در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای
 این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود

آتش

از مجموعه سرودهای آوازهای بند

آتش شعله برکش شعله دم فرو مکش (۲)
 آنچنان بسوز (۲)
 که بر پا کنی بس روشنی در دل ما
 روشنی‌های انسان
 با نیروی توده برکن نظم بیدار (۲)
 انقلاب خلق انقلاب ما
 نگون سازد اندیشه‌ی اهرمن را
 بسازد جهانی سراسر صفا را
 با نیروی توده برکن نظم بیداد (۲)
 که اندر آن زمان نزد مردمان نیایی نشانی ز فقر و ز حرمان
 نباشد دلی رنج از بحر بیداد
 آتش شعله برکش شعله دم فرو مکش (۲)
 آنچنان بسوز (۲)
 که بر پا کنی بس روشنی در دل ما
 روشنی‌های انسان



انتقام

توده ملت برآور / سرز خواب دو صد قرن موهوم
 چشم بگشا گوش بشنو / بانك شیپور دنیای مظلوم
 کهنه دنیای ستم / لایق انهدام است ، انتقام انتقام از آن (۲)
 نی شهان ، نی وزیران / پارلمان بهر ما دادرس نیست
 جز فداکاری و کوشش / حامی رنجبر هیچ کس نیست
 کهنه دنیای ستم / لایق انهدام است ، انتقام انتقام از آن (۲)
 زود برخیز ای ستمکش / شیوه روز به چاره تست
 با نبردی انقلابی / کن نظام ستم راز بن سست
 کهنه دنیای ستم / لایق انهدام است ، انتقام انتقام از آن (۲)

بیای هموطن

بر وزن ترانه‌ی : کلم ای یار گلم

هر که در جان و دلش قطره‌ای خون آزادیخواهی است
 هر که در راه خلق خود هر دم آماده‌ی جانفشانی است
 یک دم ننشیند ز پا بپند او موج خشم و کین در تلاطم
 فریاد او هم صدا گردد با توده‌ی پرشور در تهاجم
 به پای هموطن صبح آزادی ما دمیده
 به پا کهدور جور ستمگران سر رسیده (۲)
 بساط امیران، به فردای ایران ، شود جمله ویران ، به دست دلیران ایران (۲)
 این بود پیام گلگون / خون بود پاسخ هر خون
 (از ابتدا تکرار می‌شود)



بیا کارگر، بیا برزگر

ای هموطن، ای همه خشم زین بیداد
خیز و فکن کاخ ستم را بنیاد
تا کی آخر به اسارت ماندن
خیز و بیا کن تو جهانی آزاد
خلق ستمدیده خروشد آخر
توده بر انقلاب خیزد و کوشد آخر
بیا کارگر، بیا برزگر
بیا روشنفکر، بیا روشنگر
ای آخوند یاوه سخن ای جلااد
این همه خونها به زمین ننگت باد
نوکری اجنبیان را داری
تا بدهی مام وطن را بریاد
خلق ستمدیده خروشد آخر
توده بر انقلاب خیزد و کوشد آخر
بیا کارگر، بیا برزگر
بیا روشنفکر، بیا روشنگر
ای وطن ای مهد دلیران شیران
ای همه تاریخ تو خون ای ایران
خون جوانان وطن بر خاکت
نگ اجانب ز تو بشوید دامان
خلق ستمدیده خروشد آخر
توده بر انقلاب خیزد و کوشد آخر
بیا کارگر، بیا برزگر
بیا روشنفکر، بیا روشنگر

آرش کمانگیر

شعر : سیاوش کسرای

گفته بودم زندگی زیباست
گفته و ناگفته، ای بس نکته‌ها کاین جاست
آسمان باز، آفتاب زر
باغ‌های گل، (دشت‌های بی‌در و پیکر) (۲)
سر برون آوردن گل از درون برف
تاب نرم رقص ماهی در بلور آب
خواب گندم‌زارها در چشمه‌ی مهتاب
بوی عطر خاک باران خورده در کُهمسار
آمدن، رفتن، دویدن، عشق ورزیدن
در غم انسان نشستن
یا به پای شادمانی‌های مردم پای کوبیدن

آری آری زندگی زیباست / زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست
گر بیفروزیم آنرا رقص شعله‌اش، زهر کران پیدا
ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست (۲)
زندگانی شعله می‌خواهد / شعله‌ها را هیمة باید روشنی افروز
جنگلی هستی تو ای انسان، جنگل ای روئیده آزاده، جان تو خدمتگر آتش
سر بلند و سبز باش ای جنگل انسان (۲)

* * *

آفتاب درگشت، سالها بگذشت / سالها و باز در پهنه‌ی البرز
رهگذرهایی که شب در راه می‌مانند / نام آرش در دل کُهمسار می‌خوانند (۲)
با دهان کوه آرش می‌دهد پاسخ (۲)
میکنندشان از فراز و از نشیب آگاه
می‌دهد امید می‌نماید راه (۲)



هزاران گل فریاد

هنوز پر میزنه اینجا	دل این سوخته‌ی پر درد
دیگه از دست زمونه	خونیه سینه‌ی ترسم
صبح زخمی، صبح خونین	صبح رنگ و روی باخته
شب یلدای گذشته	دوباره برگشت به خونه (۲) آه آه
غم این کشته‌ی چند	به دلم می‌زنه خنجر
(اما چاره چیست یاران	به سحر باید رسیدن) (۲) آه آه
(چاره‌ی دریدن شب	شب و باید که دریدن) (۲)
	به سحر باید رسیدن (۲)
غم این کشته‌ی چند	به دلم می‌زنه خنجر
(اما چاره چیست یاران	به سحر باید رسیدن) (۲)
نه به در خانه نشستن	نه به خلقی بسر سپردن
نه به صد خنجر تک یار	نه به صد ناله‌ی غم‌خوار
	به هزاران به هزاران ، به هزاران گل فریاد
	به هزاران به هزاران ، به هزاران گل فریاد
	آه آه

ای عشق

زندادان زنان - قصر، ۱۳۵۲

شعر از: غزال آیتی (احتمالاً)

قسم خوردم بر تو من ای عشق	که جان بازم در رهت ای عشق
(نیارزد جان در رهی والا	که ناچیز است هدیه‌ای ای عشق) (۲)
بخون پاک شهیدانت	به قلب پر خون این ملت
(نگیرد این شعله خاموشی	فرورد از هر کران ای عشق) (۲)
گمان بردند شعله می‌میرد	بساط ظلم ریشه می‌گیرد
(نخشکد آن شاخه‌ی سرسبز	که آب از خون شهیدان خورد) (۲)
ز هر برگ‌ی کش به‌خاک افتد	هزاران سرو چمن روید
(پدید آید جنگلی انبوه	ز نیروی قهر خلق ای عشق) (۲)
قسم خوردم بر تو من ای عشق	که جان بازم در رهت ای عشق
(نیارزد جان در رهی والا	که ناچیز است هدیه‌ای ای عشق) (۳)

لائی برای بیداری

لالای لای لای گل پونه
 بابات امشب نمی آید
 بخواب آرام چراغ من
 بابات شب رفته از خونه
 لالای لای لای گل انجیر
 بیاش زنجیر صد خروار
 بخواب آرام گل خورشید
 بهش گفتم که شیری تو
 لالای لای لای گل امید
 دلی مانند کوه داره
 بخواب فردا سحر میشه
 خراب میشه در زندون
 لالای لای لای گل آهن
 نشون دشمننا اونه
 بخواب آرام توی بستر
 که فردا شعله ور میشی
 لالای لای لای گل کینه
 زمین رنگین نمی مونه
 بخواب اعیون عزا داره
 عروس من میشه دختر
 بابات رفته دلم خونه
 گرفتن بردنش شاید
 گل شب بوی باغ من
 که خورشید و بجنیونه
 بابات داره بیاش زنجیر
 چشاش خواب و دلش بیدار
 بابات حال تو رو پرسید
 پی او را می گیری تو
 باباتو برده اند تبعید
 بچش صدتا عمو داره
 شب از عالم بدر میشه
 بابات خونه میاد خندون
 باباتو دشمننا کشتن
 دساشون غرق در خونه
 مٹ آتیش تو خاکستر
 تو خونخواه بدر میشی
 زمین از کشته رنگینه
 دلت پرکین نمی مونه
 که اعیون دخترا داره
 جهون ایمن میشه یکسر

علیه سازش

مجموعه سرودهای «بهایاد قیام»

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چو ببیند به هر جا تاب انقلاب (۲)	بخود پیچد از وحشت انقلاب
که پنهان کند آتش انقلاب (۲)	بکوشد هراسان و زوزه کشان
پرچم سرخ ما شده کنون بیا، بیا، بیا، بیا	عزم ما، نظم ما، سلاح رزم ما
که بازو به بازوست یا برزگر (۲)	دهانش بگوید صف کارگر
فرو ریزد این نظم بیدادگر (۲)	بروید هر آن کس که سازش کند
پرچم سرخ ما شده کنون بیا، بیا، بیا، بیا	عزم ما، نظم ما، سلاح رزم ما
بزن بر سر این صف خائنین (۲)	تو ای کارگر پتکت از خشم و کین
فروزان کن آتش ز نظم نوین (۲)	تن دشمنان را به مشتت بکوب
پرچم سرخ ما شده کنون بیا، بیا، بیا، بیا	عزم ما، نظم ما، سلاح رزم ما
چو ببیند تو باشی بر او راهبر (۲)	به پیش آید این خلق از جان گذر
فروزد علیه ستم برزگر (۲)	ز گل مشت خود پرچم اتحاد
پرچم سرخ ما شده کنون بیا، بیا، بیا	عزم ما، نظم ما، سلاح رزم ما

پرچم سرخ

(همخوان با آهنگ ایتالیایی (Avanti Popolo))

مجموعه سرودهای «بهایاد قیام»

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پرچم سرخ را	می کنیم بیا، پرچم سرخ را	شعله ور رنگ خون
در این دنیا	همراه خلق ها، کو بیم ستم ها	ای رفیقان به پیش!
روز آغاز پیکار ما امروز است		پرچم سرخ ما پیروز است (۳)
در دل شهرها، در همه روستاها		شکفته این زمان سرود یاران
در راه سوسیالیسم، رو به میدان!		پرچم سرخ خود، محکم در مشت ها
روز رهایی از ستم ها امروز است		پرچم سرخ ما پیروز است (۳)
رگبار کین را بر دشمن باران!		زنجیر بندگی دور افکن از پا
پرچم سرخ را اینجا بنشان		رنج دهقان، تو بده پایان!
روز پایان رنج و غم ها امروز است		پرچم سرخ ما پیروز است (۳)

بیاد قیام

یاد رزم توده‌ها برجاست
 پرچم پیکارشان، پیکارشان بریاست
 رزم توده‌ها برجاست (۲)
 سینه‌هایشان جایگاه سرخ توفان‌هاست (۲)
 توده‌ها چون سیل جوشیدند
 جامه‌های رزم پوشیدند (۲)
 با قیام خود خروشدند
 در میان کارخانه، پتک می‌چرخید
 تا براندازند سست بنیان ستم‌کاران (۲)
 بر سر زنجیر می‌کوبیدند
 در میان کشتزاران، خشم می‌بارید،
 تا بپا سازند
 نظمی نو، نظمی نو، در ایران، در ایران، در ایران، (۲)
 لیک، سرداران سرمایه میوه چین رزم ما گشتند
 در ره سرکوب رزم توده کوشیدند (۲)
 بشنوید! بشنوید!
 این بانگ خشم‌آگین صدای انقلاب ناتمام ماست
 صدای انقلاب ناتمام ماست
 خروشش باز پایرجاست
 پرچم پیروزی‌ش بریاست

وقت پیکار

بیا تا با هم به کاوه‌ها پیوندیم
 زنده کنیم با هم این قیام را
 آبی یار زودباش که وقت پیکاره
 موقعه عزم و موقعه رزم یاره
 آتش‌ها زیر خاکسترها پنهون
 کارگر و دهقان برپا میشن
 آبی یار زودباش که وقت پیکاره
 موقعه عزم و موقعه رزم یاره
 عموغلی پاشده کوچک بیداره
 گل سرخ‌ها را داده هدیه ایران
 آبی یار زودباش که وقت پیکاره
 موقعه عزم و موقعه رزم یاره
 بیا تا در راه خلق عهدی ببندیم
 در خاک و خون آریم دشمنان را
 کاوه دوباره صد ساله بیداره
 خلق ایران برپا شده درکاره
 آزاد مردان همه، گوشه‌ی زندون (۲)
 حاکم بر کار خود خلق‌ها میشن
 کاوه دوباره صد ساله بیداره
 خلق ایران برپا شده درکاره
 خسرو داره از دور تفنگ میاره (۲)
 خون‌ها جون گرفته، کرده توفان
 کاوه دوباره صد ساله بیداره
 خلق ایران برپا شده درکاره (۲)

سرود زنان

شعر از : سیاوش کسرایی

ما زندگی، زندگی آوردیم
 ما گهواره‌ی جان را جنبانیدیم
 ما مردی و مردمی پروردیم
 شیر ما، در رگ دلاوران، خون شد
 خون به جوش آمد، در خروش آمد
 از آن، تخت و تاج خودکامه وارون شد (۲)
 رفت و گم شد، آن ستمگر
 آمد از در خصم دیگر
 با فریب و ریا شد به منبر
 گند پیوند ما کشت فرزندی ما سوخت کاشانه‌ی ما
 آتش جنگ افروخت در خانه‌ی ما در خانه‌ی ما
 مادران، خواهران، دختران باز
 خانه را از پلیدی پروبیم
 شهنه از پای در آوریم
 گزمه را سر بکوبیم
 باز شادی آوریم آزادی آوریم
 با صلح و اتحاد و عشق
 آشیان سعادت کنیم ایران را، ایران را
 مادری کنیم یاوری کنیم محرومان را
 مادری کنیم یاوری کنیم محرومان را

فردا

شعر: دال - هم بند (سعید سلطانیپور)
برای رفقای شهید مینا رفیعی و محمد آخوندی
بند ۲ زندان اوین (سلول کمیته) - خرداد ۵۶

از درون شب تار / می شکوفد گل صبح
خنده بر لب گل خورشید کند / جلوه بر کوه بلند (۲)
نیست تردید، زمستان گذرد / وز پی اش پیک بهار / با هزاران گل سرخ
بی گمان می آید
در گذرگاه شب تار ، به دروازه ی نور ،
گل خونین جوان ، خون بیفشانده تمام روی دیوار زمان
لاله ها نیز نشانند به دل / همگی داغ سیاه
گرچه شب هست هنوز / با سیه چنگ بر این بام آونگ
آسمان غرق ستاره ست ولیک / خوشه ها بسته ستاره ، گل ، گل ، گل
توده ها گشته شراره هر جا / خوشه ی اختر سرخ
با تپش های مدام / در تکاپوی تمام
عاقبت کوره ی خورشید گدازان گردد (۲)

دور نیست ، دیر نیست

- دور نیست ، دیر نیست ، روز رستاخیز خلق (۲)
روز شکفتن لبهای یخ زده
روز دمیدن خورشید صبحگاهان
- دور نیست ، دیر نیست ، روز رستاخیز خلق (۲)
روز سرودن خونین حماسه ها
روز سرایش زمین فسانه ها
- دور نیست ، دیر نیست ، روز رستاخیز خلق (۲)
روز گسستن زنجیر بردگی
روز شکستن دیوار تیرگی
- دور نیست ، دیر نیست ، روز رستاخیز خلق (۲)
روز وحدت قلم و داس و پتک ها
روز خروش خشم ، غریو نفنک ها
- دور نیست ، دیر نیست ، روز رستاخیز خلق (۲)

فلات خون

بعد از آن مرداد گران
 ای میهنم ای ایران من
 می درخشد شعله‌ی آفتاب

خشم تو خفته در خاکستر تابستان
 ای میهن ای زندان من
 روی توفان سرخ انقلاب

چون فدایی، با خشم و خون به پیش
 از دل آتش و دود و شخم و خیش
 شام غم شود نگون، شود نگون، شود نگون
 گل دهد، فلات خون، فلات خون، فلات خون
 بهار خون مردمان گل آورد، (گل ارغوان) ۳

بعد از آن مرداد گران
 ای میهنم ای ایران من
 می درخشد شعله‌ی آفتاب

خشم تو خفته در خاکستر تابستان
 ای میهن ای زندان من
 روی توفان سرخ انقلاب

چون فدایی، با خشم و خون به پیش
 از دل آتش و دود و شخم و خیش
 شام غم شود نگون، شود نگون، شود نگون
 گل دهد، فلات خون، فلات خون، فلات خون
 بهار خون مردمان گل آورد، (گل ارغوان) ۳

گلوله شعله‌ور شود، شب وطن (سحر شود) ۳
 می درخشد شعله‌ی آفتاب
 روی توفان سرخ انقلاب
 چون فدایی با خشم و خون به پیش
 از دل آتش و دود و شخم و خیش (۳)

در ستایش انقلابی (Lob des Revolutionärs)

شعر: برشت

ترجمه: سعید یوسف

همخوان با آهنگ ایسلر

چون فزونی می گیرد سرکوب
چه فراوانند آنان که کناری گیرند
یأس و تردید سراغ ایشان می آید
او، ولیکن، افزون می شودش شور و امید
و دلیریش می افزاید
برخی زیادی اند، گر نباشند کمبودی نیست
وقتی او نیست، جایش خالیست
او سازمان می دهد پیکار از بهر مزد
یا وقت غذا، تصرف قدرت
پرسد از مالکیت از کجا آیی؟
پرسد از عقیده: به سود که ای؟
هرجا سکوت حاکم است، او سخن گوید
و هرجا سرکوب است و سخن از سرنوشت آید
او نام دشمن گوید
هرجا بنشینند بر سر میز
غذا شود بد
هرجا می رانندش
وز هرجا رانندش
بنشینند نارضایی نیز
تنگی اتاق به چشم آید
شورش آنجا راند
بلوا برجا ماند

تا کی خموشی

شعر کرامت دانشیان - سال ۱۳۴۶

بر خاک تبریز	اشکی فرو ریز
آهنگ آذربایجان را	با نغمه‌ای دیگر در آمیز
از جان به پا خیز	شوری برانگیز
با قدرتی بس جاودانه	دیوار ظلمت را فرو ریز
تا کی نکوشی؟	تا کی خموشی؟
از زیر یوغ برده داران	بهر خلاص خود نکوشی؟

گریدینسان زیست

لای لای لای لای لای لای لای (۲) لای لای لای لای (۲)
 گریدینسان زیست باید پاک (۲)
 من چه ناپاکم اگر نشانم از ایمان خود چون کوه (۲)
 یادگاری جاودانی برتر از این بی بقای خاک (۲)
 لای لای لای لای لای لای لای (۲) لای لای لای لای (۲)
 گریدینسان زیست باید پست (۲)
 من چه بی شرمم اگر فانوس عمرم را به رسوایی نیاویزم (۲)
 بر بلند کاخ خشک کوچه بن بست (۲)
 لای لای لای لای لای لای لای (۲) لای لای لای لای (۲)

سرود هنرها

دمی نخفته ایم، بیداریم، بیداریم
 تا به ملک ما زنده ماند هنر آزادی آزادی
 خشم ما عظیم، راه ما بزرگ
 جان ما به کف، در ره هدف، در ره هدف
 هم صدای ما، شو به راه ما
 تا به ملک ما زنده ماند هنر، آزادی، آزادی
 تیغ ما قلم، حرف ما سرود همره منی، بر توام درود
 بوم ما ز خاک، رنگ ما ز خون خون کشتگان، از قلم روان
 ما پرنده ایم، در هوای پاک
 قایقی که خوش می رود به رود
 صبح روشن است، پر بزن نمان
 گرچه در رهت، بگذری ز جان
 برو، برو، برو نمان، نمان، نمان
 تا به ملک ما زنده ماند هنر آزادی، آزادی، آزادی



شمع فروزان

همه در بند ظلم و جور و ستم
همه اسیر سیاهی و بیداد و غم
همه بیزار از زنجیر بندگی
بیش از این خاموشی نشاید
این زندگی، زندگی

می توان بر جای خود باقی ماند
چون تماشاگر اما کور و کر
می توان فریاد زد از ته دل
بیش از این خاموشی نشاید
این زندگی، زندگی

بیا بید ای یاران دست به دست هم دهیم
کوشیم و برکنیم بساط جور و ستم
ننشینیم در پی خورشیدی که دمد
همگی باشیم هریک شمع فروزان
شمع فروزان

بیا بید ای یاران دست به دست هم دهیم
کوشیم و برکنیم بساط جور و ستم
ننشینیم در پی خورشیدی که دمد
همگی باشیم هریک شمع فروزان
شمع فروزان

سپیده در حال دمیدن است

آتش پیکار خونین شد فروزان، خشمی سوزان شعله‌ها زد بر وجود دشمنان خلق
 خون سرخ شهیدان چون طراود به هرسو می‌دهد نوید آزادی
 خون سرخ شهیدان چون طراود به هرسو می‌دهد نوید استقلال
 ز ره گشایان جهان نو / ز حامیان ایده‌های نو
 سر گله‌ها با خون نوشته‌اند / که اتحاد و انقلاب ما
 نوید استقلال میهن است

سپیده در حال دمیدن است (۲)

خون سرخ شهیدان چون طراود به هرسو می‌دهد نوید آزادی
 خون سرخ شهیدان چون طراود به هرسو می‌دهد نوید استقلال
 خروش رستاخیز توده‌ها
 فاشیسم دستاویز ارتجاع
 به خون کشاند منهدم کند / چو فردا

* * *

مسجل نابودی دشمن است
 سپیده در حال دمیدن است (۲)
 ز رزم قهرآمیز خلق ما، خلق ما
 درفش پیروزی و فتح ما، فتح ما
 به اهتزاز از خون سرخ ما، خون ما، به اهتزاز از خون سرخ ما
 پتک کارگر، داس برزرگر
 سلطه‌ی امپریالیسم براندازد
 کاخ ارتجاع سرنگون سازد
 لالا لالا لالا لالا لالا لالا

دلاوران جاودان ما / شراره باران اخگران ما
 به راه توده جان‌کنند فدا / چو خون سرخ اختر و حمید

طلیعه‌ی فردای روشن است

سپیده در حال دمیدن است

مسجل نابودی دشمن است

سپیده در حال دمیدن است

نوید استقلال میهن است

سپیده در حال دمیدن است



خلق ایران برپا خیزید

در مهاباد جنگ و خون است
 در سنندج حرف زور است
 در ترکمن صحرا همچین امور است (۲)
 خلق ایران برپا خیزید
 همزه ما باشید بچنگید
 تا برکنیم استبداد سرمایه‌داری (۲)

رزم خلق قهرمان

هان ببین ببین تماشاجی
 هان ببین ببین تماشاجی
 رزم خلق قهرمان / قهرمان بی امان
 در میدان نبرد / در میدان نبرد
 روز بیست و یک بهمن ماه جاویدان
 روز هنگام نبرد خلق قهرمان
 بر خاک و خون افکند هر کاخ مزدوری
 رگبار مسلسل‌ها گلیوته‌ی آزادی
 روز بیست و دو بهمن ماه جاویدان
 روز چرک و خون و باروت



به سوی سوسیالیسم

سرود خلق سرود زندگی است
به پیش به پیش به سوی سوسیالیسم
ترانه‌ی یگانگی ما، ترانه‌ی برابری ماست
تو ای نسیم بپر ندای جان ما
به کوه و دشت میان جلگه‌ها
ندای خلق، ندای کارگر
کنار او دهقان و پیشه‌ور
بگیر ای زن درفش انقلاب
بخوان به لب سرود اتحاد
تو ای رفیق بپر سرود سرخ ما
به کوجه‌ها میان توده‌ها
بتازیم با ایمان در راه توده‌ها
برای فردای روشن، به پیش، به پیش،
چو مشق خلق به هم گره خورد
به جان شب سپیده می‌زند
طنین سرخ بانگ توده‌ها
ز بستر سپیده می‌دمد
تو ای نسیم بپر ندای جان ما
به کوه و دشت میان جلگه‌ها
ز کار و کوشش تمام خلق
به رهبری حزب کارگر
به خون کشیم نظام فاسدان
برابری برای مردمان
تو ای رفیق بپر سرود سرخ ما
به کوجه‌ها میان توده‌ها
بتازیم با ایمان در راه توده‌ها
برای فردای روشن، به پیش، به پیش،

سرود صلح

شعر: احسان طبری

در راه صلح جاودان شد بانگ ما چنین هماهنگ
هان برخیز ای نسل جوان پراکنید تیره ابر جنگ
بپاخیزید، بپاخیزید
ز جا جنبید ای نیکو مردان
فشرده صف در راه صلح

یک دل به پیش، با عزم و ایمان
نیروی ما در عزم ماست خورده سوگند پایداری
وحدت شعار رزم ماست جنگ افروزان محکوم به خواری
بپاخیزید، بپاخیزید
ز جا جنبید ای نیکو مردان
فشرده صف در راه صلح

یک دل به پیش، با عزم و ایمان
۲ {

پیروزی خلق

آتش جاویدان
شعله‌ور گردد
سوزد سراسر
خانه‌ی دیوان
پاره گردد زنجیرها از دست و پای زندانیان
شادی و خوشحالی شود برای همه ایرانیان
بازو در بازو
جملگی به پیش
تا به دست آریم
آزادی خویش
بپاشد خورشید تابان بر همه دلها نور امید
پیروزی خلق باشد در همه جهان جاوید

کاشکی

بر وزن ترانه کاشکی، خواننده ویگن

کاشکی تفنگ داشتم / صد تا فشنگ داشتم
 کاشکی همچو مردان / دل شیران داشتم
 کاشکی چون حیدر خان / در جنگل‌ها بودم
 کاشکی چون ستار خان / در سنگرها بودم
 چه خوش است تفنگ گرفتن ما / پی رزم فشنگ انداختن ما
 دل خصم در این میانه تپد / پی هر نشانه رفتن ما
 باز آبرود کنیم / شوری بپا کنیم
 بهر رهایی خلق / آتش بپا کنیم
 چه خوش است تفنگ گرفتن ما / پی رزم فشنگ انداختن ما
 دل خصم در این میانه تپد / پی هر نشانه رفتن ما

سرود حقوق بشر

شعر: ابراهیم صفایی، آهنگ: عبدالکریم میرافشان

هر آن کس که دارد ز دانش خبر	گرامی شمارد حقوق بشر
بشر را حقوقی بود در سرشت	که منشور آن را طبیعت نوشت
ز هر تیره و بوم و کشور بود	بشر را حقوق برابر بود
مخواه از بشر بردگی، بندگی	که آزاد باید کند زندگی
حقوق بشر گر بود محترم	بر افتد ز گیتی نشان ستم
عدالت چو بر خلق فرمان دهد	تورا هر چه باشد سزا آن دهد
بجو دانش و بینش و مردمی	که این است سرماییه آدمی
هر آن کس که دارد ز دانش خبر	گرامی شمارد حقوق بشر

موج خسته

شعر و آهنگ از: س. ش. ، زندان اوین ، سال ۵۵

قیراندوده، شب دریا	ابر آلوده، آسمانش
پیش چشمونت ،	مه خیمه بسته
صد هزاران خیمه	در هر کرانش
افق‌های دور و نزدیک	زیر پوشش
موج خسته، بی‌مه‌با	بی مه‌با، پرهیاهو
می‌نوردد، راه خود را	راه خود را، زین میانه
قیراندوده، شب دریا	ابر آلوده، آسمانش
موج خسته، بی‌مه‌با	بی مه‌با، پرهیاهو
می‌نوردد، راه خود را	راه خود را زین میانه

باطلاق

هرسو بینیم غیر از باطلاق چیزی دیگر نبینیم
 لب بسته پرندگان را در جنگل خشک بینیم
 اوه دنیای بدبختی، کانجا مجبور به کاریم دائم (۲)
 ضربه‌ی پا، صدای پاسدار مسلح روز و شب
 عاقبت فرار خون است، مرگ است، اشک است درد و تب
 اوه دنیای بدبختی، کانجا مجبور به کاریم دائم (۲)
 لیکن روزی زنده باشیم، بهار دوباره بینیم
 آزاد گردی میهن من آزمایی، این را گوئیم
 اوه دنیای خوشبختی، کانجا آزادی داریم دائم (۲)



سحر سرخ

سحر سرخ آزادی
دامن کشد بر ایران

سرزند ز کوهستان
با تفنگ پارتیزان

آزاد نگردد ایران
جز به دست پارتیزان

حزب ما حزب کارگران
می پرورد بر دامان

متحد با دهقانان
مادرانه پارتیزان

با روح خود چون توفان
آهنین پارتیزان

همچو شیر بر پهنه‌ی صحرا
بارد به قلب دشمن

چون یلنگ در کوهستان
ترس، مرگ پارتیزان

دشمن رمد ز ایران
با هجوم پارتیزان

پارتیزان

با اسلحه خلق‌های ایران، بریا خیزید همچون دلیران
قدرت امپریالیست‌ها را در هم شکنیم، چون پارتیزان (۲)

پتک کارگر، داس بررگر، محصلان، با آن در پیوند
رژیم خونخوار فاشیست را، در هم شکنیم، چون پارتیزان (۲)

دشمن کشد یاران ما را، کارگر دهقان و جوان را
یاران به پیش پیروزی از ماست، با اسلحه چون پارتیزان (۲)